



University of Tehran press

Analysis of the translation of the novel "Someone I loved" written by Anna Gavalda and translated by Elham Darchinian according to Vinay and Darbelnet theories



Zeinab Rezvantlab*✉ 0000-0001-8361-9666

Department of French Language and Literature, Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: z.rezvantlab@ut.ac.ir



Simin Kordeyazdi** 0000-0003-1662-8065

Department of French Language and Literature, Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: siminkordeyazdi@ut.ac.ir

ABSTRACT

Vinay and Darbelnet explained a basic method for studying, analyzing and critiquing in a literary entitled Comparative Stylistics of French and English: a Methodology for Translation, In 1985. The two Canadian researchers define seven different techniques, commonly used by translators consciously or unconsciously, under two generic categories: direct and indirect translation. This systematic method in classifying translation techniques is a convenient model which is used to analyze and critique different translations. This article uses the same pattern to analyze the translation of the novel "Someone I loved" by Anna Gavalda, translated by Elham Darchinian. The authors of this analysis seek to investigate the reason and circumstances of the translation and the manner of the translator choices to be determined "How the translator make the current version of translation accessible to the audience and what is the reason for the Intellectual tendencies of the translator?" The findings of this study indicates Elham Darchinian has mostly referred to four methods that are in the field of indirect translation, and among them, she has used Modulation with the highest frequency. Therefore, it seems that the translator's concern was more with the Persian-speaking audience to provide a fluent, understandable, and pleasant translation, rather than with preserving the author's style and context.

ARTICLE INFO

Article history:
Received: 11 August 2022
Received in revised form 1 December 2022
Accepted: 11 December 2022
Available online:
Spring2023

Keywords:

Vinay and Darbelnet, the translation., Someone I loved., Anna Gavalda., Elham Darchinian

Rezvantlab, Z., & kordeyazdi, S. (2023). Analysis of the translation of the novel "Someone I loved" written by Anna Gavalda and translated by Elham Darchinian according to Vinay and Darbelnet theories. *Journal of Foreign Language Research*, 13 (1), 145-156.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI : <http://doi.org/10.22059/jflr.2022.344942.964>

* Assistant Professor Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran Researching fields: French Language and Literature, Translation Studies

** Bachelor's degree in French translation (Ferdowsi University of Mashhad) 9th place in the French translation exam of the graduate level (Tehran University) 5 years of private and group French language teaching experience.



انتشارات دانشگاه تهران

پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی

شاپای چاپی: ۴۱۲۳-۲۵۸۸ شاپای الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸
Email: jflr@ut.ac.ir https://jflr.ut.ac.ir

بررسی ترجمه الهام دارچینیان از رمان «من او را دوست داشتم» نوشته آنا گاولدا بر اساس نظریه وینه و داربلنه

زینب رضوان طلب* ✉

0000-0001-8361-9666 ID

گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Email: z.rezvantalab@ut.ac.ir



سیمین کردیزدی**

0000-0003-1662-8065 ID

گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Email: siminkordeyazdi@ut.ac.ir



چکیده

وینه و داربلنه در سال ۱۹۸۵ روشی اصولی برای تحلیل، بررسی و نقد ترجمه را در اثری با عنوان سبک شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روش ترجمه، تبیین و تشریح می‌کنند. این دو پژوهشگر فرانسوی هفت تکنیک مختلف را، که معمولاً مترجمین به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آنها استفاده می‌کنند، ذیل دو دسته‌بندی کلی ترجمه مستقیم و ترجمه غیرمستقیم، تعریف می‌کنند. این شیوه نظام‌مند در طبقه‌بندی فنون ترجمه الگوی مناسبی است که برای نقد و بررسی ترجمه‌های مختلف به کار می‌رود. این مقاله نیز، با استفاده از همین الگو به تحلیل ترجمه رمان *من او را دوست داشتم* اثر آنا گاولدا از الهام دارچینیان می‌پردازد. نگارندگان این تحلیل در صدد هستند چگونگی ترجمه این کتاب را تجزیه و تحلیل کنند و چرایی انتخاب‌های مترجم را مورد واکاوی قرار دهند تا مشخص شود «مترجم با چه رویکردی ترجمه حاضر را در دسترس مخاطبان قراردادده و علت پیروی از این گرایش است چیست؟» یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که الهام دارچینیان بیشتر به چهار شیوه‌ای که در حیطه ترجمه غیرمستقیم قرار می‌گیرند رجوع داشته و از میان آنها نیز تغییر بیان را با بالاترین بسامد مورد استفاده قرار داده است. بنابراین، به نظر می‌رسد دغدغه مترجم بیش از آنکه معطوف به حفظ سبک و سیاق نویسنده باشد، متوجه مخاطب فارسی زبان جهت ارائه ترجمه‌ای روان، قابل درک، و دلپذیر بوده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰
تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۲
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

وینه و داربلنه، ترجمه، من او را دوست داشتم، آنا گاولدا، الهام دارچینیان

رضوان طلب، زینب، و کردیزدی، سیمین. (۱۴۰۲). بررسی ترجمه ی الهام دارچینیان از رمان «من او را دوست داشتم» نوشته ی آنا گاولدا بر اساس نظریه ی وینه و داربلنه. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۳ (۱)، ۱۴۵-۱۵۶.

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.



DOI : <http://doi.org/10.22059/jflr.2022.344942.964>

*استادیار دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران زمینه‌های تحقیق: زبان و ادبیات فرانسه، مطالعات ترجمه

**دانش آموخته‌ی رشته‌ی مترجمی زبان فرانسه مقطع کارشناسی (دانشگاه فردوسی مشهد (رتبه‌ی ۹ کنکور مترجمی زبان فرانسه مقطع کارشناسی ارشد) دانشگاه تهران ۵) سال سابقه‌ی تدریس خصوصی و گروهی زبان فرانسه

تا کنون تعاریف متفاوتی از ترجمه ارائه شده است که شاید یکی از ساده‌ترین آنها بنا بر پیشنهاد کتفورد «جایگزینی مواد متنی در یک زبان (زبان مبدأ) با مواد متنی معادل در زبان دیگر (زبان مقصد)» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۹: ۳ مرجع ۴) باشد. ژان رنه لادمیرال ترجمه را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک فعالیت جهانی بشری که در همه زمان‌ها و در همه نقاط جهان ضروری است» (لادمیرال، ۱۹۷۹: ۲۸) و شاید هدف آن عدم خواندن متن اصلی باشد. آنتوان برمن نیز بر این ایده تأکید می‌ورزد که «ترجمه تجربه‌ای است که می‌توان آن را باز کرد و دوباره بازتاب داد. به‌طور دقیق‌تر ترجمه در اصل بازتاب است» (برمن، ۱۹۹۹: ۱۶). معمولاً تعاریف مختلف توأمان ناظر بر عمل ترجمه و نتیجه این فعالیت است. از جمله نخستین کسانی که مشهورترین نظریه‌های زبانی ترجمه را تدوین کرده‌اند، می‌توان به ژرژ مونن (Georges Mounin)، ژان پُل وینه (Jean Paul Vinay) و ژان داربلنه (Jean Darbelnet) اشاره کرد. یکی از آثار بنیادی که پایه و اساس نظریه‌پردازی واقعی در حوزه ترجمه به حساب می‌آید بدون شک مشکلات نظریه‌های ترجمه نوشته ژرژ مونن است که در سال ۱۹۶۳ منتشر شد. به گفته وی، ترجمه به منزله «ارائه نزدیک‌ترین معادل از زبان مبدأ به زبان مقصد [است]، ابتدا از نظر معنا و سپس از نظر سبک» (مونن، ۱۹۶۳: ۱۲). وینه و داربلنه نیز تأیید کردند «لازم است در نظر بگیریم [...] که مترجم خوب فقط کلمات را ترجمه نمی‌کند، بلکه اندیشه‌ای را که پشت آن است ترجمه می‌کند و برای رسیدن به این منظور دائماً به زمینه و موقعیت اشاره می‌کند» (وینه و داربلنه، ۲۰۰۴: ۴۲). آنها در سال ۱۹۸۵ روشی اصول برای تحلیل، بررسی و نقد ترجمه را در اثری با عنوان سبک شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روش ترجمه تبیین و تشریح می‌کنند و نشان می‌دهند که ترجمه و سبک-شناسی مقایسه‌ای جدایی‌ناپذیر بوده و هرگونه مقایسه باید به داده‌های معادل مربوط باشد. برداشت آنها از ترجمه بر اساس زبان‌شناسی سوسوری است که بین زبان و گفتار تمایز قائل می‌شود، و معتقد است فرستنده پیام از منابع زبان برای انتقال پیامی شخصی و غیرقابل پیش‌بینی استفاده می‌کند. وینه و داربلنه هفت تکنیک مختلف را، که معمولاً مترجمین از آنها به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه استفاده می‌کنند، شناسایی و تعریف کرده، و این هفت مورد را ذیل دو سبک کلی با عنوان ترجمه مستقیم و ترجمه غیرمستقیم، قرار می‌دهند. در واقع، بررسی کم و کیف بهره‌گیری مترجمین از این تکنیک‌ها و

تحلیل انگیزه آنها برای گزینش‌های صورت گرفته می‌تواند ابزاری برای مطالعه و نقد کیفیت ترجمه باشد، و با توجه به اینکه بیشترین تکنیک‌های به کار رفته در کدام دسته ترجمه مستقیم یا غیرمستقیم قرار می‌گیرند، می‌توان در خصوص تمایل مترجم به اسلوب مقصدگرا یا مبدأگرا اظهارنظر کرد. بدیهی است که هرچقدر زبان مقصد از زبان مبدأ دورتر باشد، کاربرد شیوه‌های ناظر بر ایجاد تغییرات ساختاری و معنایی نیز در ترجمه بیشتر خواهد بود. به‌عنوان مثال، با توجه به اینکه زبان‌های فارسی و فرانسه از دو خانواده زبانی مختلف بوده و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با هم دارند، طبیعی به نظر می‌رسد که متون ترجمه شده به فارسی از آثار ادبی فرانسه، تفاوت‌های زیادی را در سطح ساختار دستوری و نظام واژگانی نسبت به متون اصلی به نمایش بگذارند.

نگارندگان این مقاله برآنند تا با تکیه بر نظریات وینه و داربلنه به تحلیل و بررسی ترجمه الهام دارچینیان از رمان من / او را دوست داشتم، اثر نویسنده مشهور فرانسوی زبان آنا گاولدا، بپردازند. در واقع، این تحقیق به دنبال این است که نشان دهد دارچینیان در انتخاب واژگان و چینش ساختاری عبارات بیشتر از کدام‌یک از ترفندهای هفت‌گانه توصیف شده توسط وینه و داربلنه استفاده کرده؟ و سبک ترجمه وی به کدام الگوی مستقیم یا غیرمستقیم نزدیک‌تر است؟ و آیا تغییرات ایجاد شده به دلیل ضرورت‌های زبانی ناشی از تفاوت زبان‌های فارسی و فرانسه بوده، یا به سلیقه شخصی مترجم مربوط می‌شود؟ بدین منظور سعی شده است، مصداق‌هایی از کاربرد هر یک از فنون هفت‌گانه در ترجمه کتاب ذکر شود و سپس انگیزه مترجم از این انتخاب‌ها، چرایی و چگونگی کاربست آنها تحلیل شود.

معرفی نویسنده و پیکره

آنا گاولدا نویسنده فرانسوی، متولد سال ۱۹۷۰، یکی از نوادگان دوروثی پارکر، شاعر و داستان‌نویس آمریکایی است. آثار آنا گاولدا در قالب رمان و مجموعه داستان کوتاه ارائه شده‌اند؛ و ویژگی مشترک همه آنها برخورداری از نثری لطیف و زنانه است که این امر خواندن کتاب‌هایش را برای علاقه‌مندان به ادبیات فرانسه جذاب‌تر می‌کند. نخستین مجموعه داستان کوتاه او با عنوان کاش کسی در جایی منتظر من باشد در ۱۹۹۹ منتشر شد و موفق به جلب توجه منتقدین و اقبال خوانندگان گردید، تا جایی که به گزارش روزنامه نوول / ايسرواتور به ۲۷ زبان زنده دنیا ترجمه شد و در تیراژی نزدیک به ۲ میلیون نسخه به فروش رسید (نوول / ايسرواتور، شماره ۲۲۶۴). لازم به ذکر است این اثر در ایران هم طرفداران زیادی پیدا کرد و توسط

مترجمینی از جمله الهام دارچینیان، غزاله رضانی و ناهید فروغان به فارسی برگردانده شد. *رمان من / او را دوست داشتم* نیز در فوریه‌ی سال ۲۰۰۲ منتشر شد و در کمتر از یکسال به زبان انگلیسی ترجمه شد.

برخی از دیگر آثار گاولدا عبارتند از: *گریز دلپذیر، دلم می‌خواهد گاهی در زندگی اشتباه کنم، زیر پوست زندگی، لاک تنهایی‌ام را می‌شکافم، با هم، همین و بس، پس پرده، زندگی بهتر، و ۳۵ کیلو امیدواری*. مضمون اغلب این رمان‌ها و داستان‌های کوتاه شیوه‌های مختلف انسان‌ها در مواجهه با حوادث و اتفاقات و نحوه مدیریت کردن احساسات و درونیات و همچنین روابطشان با اطرافیان است. این درونمایه با نگاهی موشکافانه و با تمرکز بر جزئیاتی که شاید تنها یک زن متوجه آنها باشد، پرداخته و ارائه شده‌اند.

من / او را دوست داشتم نخستین رمان آنا گاولدا نویسنده‌ی فرانسوی است که در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسیده و با توجه به استقبال گسترده مخاطبان از آن و قابلیت‌های نمایشی مناسب هم در سینما و هم در تئاتر مورد اقتباس قرار گرفته است. گاولدا در این اثر با قلمی روان و زبانی ساده و بی‌تکلف، روزمرگی‌های زندگی انسان و پیچیدگی‌های روابط و احساسات انسانی را در قالب داستانی دل‌نشین روایت می‌کند.

رمان با توصیف یک شوک آغاز می‌شود، شوکی که به کلوئه وارد می‌شود. «کلوئه» زنی جوان است که عاشقانه همسرش «آدرین» را دوست دارد و آنها به ظاهر زندگی خوب و آرامی دارند. اما ناگهان آدرین به کلوئه اعلام می‌کند که معشوقه دیگری دارد و تصمیم گرفته او و دخترانشان را ترک کند و به معشوقه‌اش بپیوندد. این جدایی بدون هیچ جر و بحثی انجام می‌گیرد و بعد از آن، پیر، پدر آدرین، به سراغ عروس و نوه‌هایش در پاریس می‌آید و آنها را به خانه بیلاقی خود می‌برد. پدر آدرین برای کلوئه تعریف می‌کند که او نیز در جوانی خاطرخواه زنی دیگر شده، اما بنا به ملاحظات خانوادگی این احساس را در خود سرکوب کرده. در واقع، پدر آدرین نه تنها او را شماتت نمی‌کند، بلکه حتی این‌طور القا می‌شود که او اقدام فرزندش را شجاعت‌آمیز و قابل تحسین می‌داند.

آنا گاولدا با توانایی عظیمش در درک احساسات و با نگاهی روان‌شناختی به مسئله خیانت مردان، داستان را به‌خوبی به تصویر کشیده است. *رمان من / او را دوست داشتم*، با الهام از زندگی شخصی او و تجربه شکست در زندگی مشترکش نوشته شده است.

۲. پیشینه تحقیق

برخی از منابعی که به نقد ترجمه یک کتاب بر اساس روشهای فنی ترجمه وینه و داربلنه پرداخته‌اند یا به‌طور مجزا هر یک از این روشها را مورد بررسی قرار داده‌اند، عبارتند از:

• **واله ولی پور (1382)** در مقاله «بررسی نظریات معادل‌یابی در ترجمه»، سیر تحول نظریه‌های معادل‌یابی را که توسط نظریه‌پردازان بدعت‌گذار در این زمینه نظیر وینه و داربلنه (Vinay & Darbelnet)، جیکوبسن (Jakobson)، نایدا و تابر (Nida & Taber)، کتفورد (Catford)، هاووس (House) و بیکر (Baker) ارائه شده‌اند، به ترتیب زمانی بررسی و مقایسه کرده است.

• **روح اله قاسمی (۱۳۹۹)** در «بررسی پیدایش رمان فارسی بر اساس نظریه وینی و داربلنه» از این نظریه برای نقد و تحلیل ترجمه مهوش قویمی و نسرين دخت خطاط پرداخته است. وی در این مقاله علمی-پژوهشی، راهکارهای مورد استفاده مترجمین را در راستای هدف همراه کردن خواننده با متن و انتقال پیام توصیف کرده است.

• **شهریار نیازی و همکاران (۱۳۸۹)** در مقاله «واکاوی بخشی از ترجمه رمان الشحاذ بر اساس الگوی نظری وینی و داربلنه» نشان داده‌اند که مترجم این رمان عربی بیشتر از شیوه‌های ناظر بر ترجمه غیرمستقیم و به ویژه از تکنیک همانندسازی استفاده کرده است.

• **محمد جواد کمالی (۱۳۹۹)** مقاله «La transposition, un procédé de la traduction oblique du français vers le persan» را به زبان فرانسه چاپ کرده و در آن با تمرکز بر روش فنی «انتقال» از میان تکنیک‌های هفت-گانه وینه و داربلنه، مصداق‌هایی از کاربرد آن را در ترجمه مهدی سحابی از رمان همه می‌میرند، اثر سیمون دوبووار تحلیل و بررسی کرده است.

مقاله حاضر یک ترجمه معاصر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد که امید می‌رود این خود گامی در راستای ارج نهادن به کار مترجمین جوان‌تر باشد، ضمن آنکه توجه و عنایت به نقاط قوت و ضعف چنین ترجمه‌هایی می‌تواند روشنگر راه دیگر علاقه‌مندان این حوزه باشد. لازم به ذکر است که آثار آنا گاولدا جزو پر فروش‌ترین رمان‌ها بوده و تا کنون به چندین زبان مختلف در سراسر دنیا ترجمه شده‌اند و چنین پژوهش‌هایی می‌تواند موجب شناسایی بهتر این نویسنده و سبک ادبی وی توسط خوانندگان فارسی زبان شود.

۳. چهارچوب نظری و تحلیل

شاید برای اغلب کلمات فرانسوی بتوان به سهولت معادلی در زبان انگلیسی پیدا کرد، اما در بسیاری از مواقعی که کلمات با چینش خاصی کنار هم قرار می‌گیرند و ترکیب یا تصویر تازه‌ای را ایجاد می‌کنند، نمی‌توان مشابه دقیق یا عین آن اصطلاح زبانی را در انگلیسی یافت. در این صورت مترجم می‌بایست با ایجاد یک سری تغییرات، تعبیر جدیدی در ترجمه بیافریند. وینه و داربلنه در کتاب *سبک شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی*؛ روش ترجمه، ضمن مطالعه و بررسی این تغییرات، تمام آنها را در قالب هفت شیوه یا تکنیک به صورت کاملاً نظام‌مند و طبقه‌بندی شده توصیف و تبیین می‌کنند. آنها که اساساً ترجمه را، به معنی گذار از زبان الف به زبان ب، فعالیت با ماهیت مقایسه‌ای توصیف می‌کنند، مصادیق و فرآیندهای تعریف شده در این اثر را قابل تعمیم به هرگونه عملیات ترجمه در زبان‌های مختلف می‌دانند. بدین ترتیب آنها سه فرآیند با عناوین وام‌گیری، گرت‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی یا واژه به واژه را برای سبک ترجمه مستقیم تعریف می‌کنند، و چهار تکنیک دیگر با عناوین جابه‌جایی، همانندسازی، تغییر بیان و معادل‌یابی را ذیل سبک ترجمه غیرمستقیم قرار می‌دهند. وینه و داربلنه همچنین توضیح می‌دهند که برخی ویژگی‌ها بین این فرآیندها مشترک است و بنابراین تشخیص و تمیز آنها از یکدیگر ممکن است دشوار باشد. به‌طور کلی ترجمه مستقیم یا صریح شامل انتقال عناصر زبان مبدأ به زبان مقصد است، اما وقتی انتقال به دلیل تفاوت‌های ساختاری و زبانی بین زبان مبدأ و زبان مقصد غیرممکن می‌شود، ترجمه غیرمستقیم یا ضمنی ضروری است (وینه و داربلنه، ۲۰۰۴: ۴۶).

با توجه به اینکه تکنیک‌های هفت‌گانه وینه و داربلنه قبلاً در مقالات متعددی تشریح و توصیف شده‌اند، در اینجا به یادآوری مختصری در مورد تعریف هر کدام از آنها بسنده می‌شود، و تلاش می‌شود بر تحلیل مصادیق کاربرد آنها در ترجمه دارچینیان از رمان *گاوالدا تکیه* و تمرکز شود.

۴. ترجمه مستقیم

وام‌گیری یا قرض‌گیری فرآیند مورد استفاده در مواقعی است که مترجم با خلأ واژگانی در زبان مقصد روبه‌رو می‌شود، و معادل مناسبی برای بیان مفهوم مد نظر نمی‌یابد، فلذا واژه زبان مبدأ را مستقیماً و به همان صورت اولیه در زبان مقصد به کار می‌گیرد، البته در صورتی که نظام الفبایی دو زبان متفاوت باشد، مترجم ملزم به آوانویسی خواهد بود. وام‌گیری با وارد کردن

کلمات بیگانه به زبان مقصد می‌تواند موجب غنا و گسترش دایره لغات آن شود.

دارچینیان در ترجمه جمله زیر از این فرآیند استفاده کرده است:

« Château Chasse-Spleen... Avoue que c'est de circonstance... Tout à fait ce qu'il nous faut. J'en ai pris deux, une pour toi et une pour moi. »

« شاتو شَس - اسپلین، اینها مناسب حال ما هستند ... کاملاً همین‌ها را می‌خواهیم. دو تا آوردم، یکی برای تو، یکی برای خودم. »

در اینجا، نه تنها اسم خاص «شَس - اسپلین» به همان شکل اولیه فرانسوی به فارسی برگردانده شده است، بلکه حتی کلمه «شاتو» که به معنی «کاخ، قصر، یا قلعه» هست نیز بدون اینکه ترجمه شود، طی فرآیند وام‌گیری صرفاً آوانویسی شده است. در واقع، ترکیب شاتو شَس - اسپلین نام منطقه‌ای در جنوب غربی فرانسه است، که در قرن هجدهم میلادی یکی از مالکان مشهور به نام گرسیه در آنجا قلعه‌ای با شکوه ساخته و تمام زمین‌های اطراف آن را به تاستان تبدیل می‌کند. امروزه شاتو شَس - اسپلین یکی از شناخته‌شده‌ترین برندهای تولید مشروبات الکلی در فرانسه است که کارخانه آن در همین منطقه واقع شده، و در این قسمت از رمان نیز به همین نوشیدنی اشاره می‌شود. بنابراین، شاید دلیل استفاده از فرآیند وام‌گیری حفظ رنگ و بوی خارجی و غیربومی آن باشد.

« Elle a enfilé son manteau et repoussé sa chaise. Un sourire magnifique barrait son visage. »

« مانتویش را پوشید، صندلی‌اش را عقب کشید، لبخند زیبایی چهره‌اش را پرفروغ کرده بود. »

در این جمله کلمه «manteau» به معنی «پالتو، کت بلند، روپوش» از جمله وام‌واژه‌هایی است که در دوران قاجار (که عمده روابط ایران و غرب، با فرانسویان بوده است) از زبان فرانسه وام گرفته شده و در فرهنگ دهخدا نیز ذکر شده است. اما در این مثال، با توجه به بافت متن می‌توان متوجه شد که منظور نویسنده از manteau در حقیقت پوشش گرم زمستانی یا همان پالتو است، در حالیکه واژه «مانتو» در زبان فارسی رایج امروز به لباسی اطلاق می‌شود که به‌عنوان پوشش اسلامی و در راستای رعایت حجاب استفاده می‌شود. پس در

ترجمه این جمله استفاده از تکنیک وام‌گیری درست نبوده و مترجم دچار خطا شده است.

« Elle me rapportait le stylo que j'avais laissé à l'autre bout du monde. Elle avait déjà oublié de me le rendre au bar, mais cette fois, elle y pensait tout de suite et farfouillait déjà dans son sac. »

« خودنویسی را که در آن سوی دنیا پیش او جا گذاشته بودم. پس آورده بود. یادش رفته بود در بار هتل بدهد، اما این بار، به سرعت کیفیتش را زیرورو کرد تا خودکار را پیدا کند.»
در این مثال کلمه «bar» به معنی «میخانه، میکده، مشروب فروشی» است و در اینجا اشاره به قسمتی از لابی هتل دارد که در آن انواع مشروبات سرو می‌شود. این واژه قبلاً وارد زبان فارسی شده است و مترجم نیز با استفاده از تکنیک وام‌گیری این عبارت را همان‌طور که تلفظ می‌شود به زبان فارسی آوا نویسی کرده است.

ترجمه تحت‌اللفظی یا واژه به واژه فرآیندی است که معمولاً در برگردان جملات کاربرد دارد و هنگامی قابل استفاده است که مترجم بتواند بدون ایجاد تغییر صرفی یا نحوی قابل توجه در متن اصلی، جمله را با همان چینش اولیه و با به‌کارگیری عناصر معادل در زبان مقصد نیز بیان کند.

« — Non, je suis vieille, je me sens vieille. »

« - نه، من پیر هستم، خود را پیر احساس می‌کنم.»
در این مثال نیز جمله «je me sens vieille» به شیوه تحت‌اللفظی ترجمه شده است، درحالی‌که می‌توان ترجمه‌های روان‌تری همچون: حس می‌کنم پیر شده‌ام یا احساس پیری می‌کنم، را نیز در نظر داشت.

« Le soleil brillait à travers leurs cheveux et je les trouvais jolies. »

« خورشید بر موهای آنها می‌تابید؛ دخترهایم را زیبا می‌یافتیم.»

در این مثال فعل Trouver به معنی یافتن، پیدا کردن و جستن که در این جمله به معنی احساس کردن یا به نظر آمدن است، به‌صورت تحت‌اللفظی برگردانده شده و به نظر می‌رسد مترجم دچار خطا و لغزش شده است.

شاید علت استفاده مترجم از شیوه تحت‌اللفظی در مثال‌های بالا دغدغه وی برای وفاداری هرچه بیشتر به متن

اصلی بوده، و از این رو نخواستند در فرم و ساختار اصلی جمله دست ببرد و تلاش کرده از اصل تطابق و تناظر در کلمات و ساختارها تبعیت کند.

گرفته‌برداری فرآیندی است که به مورد قبلی یعنی ترجمه تحت‌اللفظی شباهت بسیار دارد، تنها تفاوتش با آن در این است که ناظر به ترجمه عبارات ترکیبی است، نه جملات. ابوالحسن نجفی در تشریح این فرآیند می‌نویسد: «گرفته‌برداری عبارت است از ترکیبی که اجزای متشکل آن جداگانه از اجزای ترکیب خارجی ترجمه شده و در کنار هم قرار گرفته باشند» (نجفی، ۱۰:۱۳۸۱). این شیوه به ساخت و وارد کردن مفاهیم جدید به زبان مقصد می‌انجامد.

الهام دارچینیان در ترجمه خود از رمان آنا گاولدا از این تکنیک استفاده نکرده است، که البته با توجه به ماهیت داستانی متن و لزوم ارائه ترجمه‌ای روان و خوشایند برای مخاطب این نوع متون، عدم استفاده از چنین تکنیکی موجه به نظر می‌رسد. تنها موردی که شاید کمی نزدیک به این فرآیند باشد، مثال زیر است:

« Était-ce cette odeur de charnier javellisé ou était-ce l'endroit tout simplement ? »

« یا بوی جسدهای آب ژوال زده شده یا آن بیمارستان مرا به این روز انداخته بود؟ »

در این مثال «javellisé» به معنی «ضد عفونی شده با آب ژاول» است و به عبارت «آب ژاول زده شده» ترجمه شده است. آب ژاول همان وایتکس یا سفید کننده یا ضد عفونی کننده است، و مترجم برای انتقال مفهوم و معنای این ماده، واژه فرانسوی آن‌نویسی شده آن را به کار برده که قبلاً وارد زبان فارسی شده است، هرچند شاید چندان رایج نباشد.

برای این روش ترجمه در ترجمه این رمان مثال‌های زیادی یافت نشد، بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که مترجم تلاش کرده است برای تمامی واژگان معادل مناسب به فارسی ارائه دهد و همان‌طور که در روش تغییر بیان خواهیم دید به شیوه‌ای دیگر مقصود نویسنده را برای خواننده فارسی‌زبان تسهیل کند.

۵. ترجمه غیرمستقیم

جابه‌جایی یا ترانهش فرآیندی است که طی آن مترجم بدون تغییر دادن معنا و مفهوم متن، شکل و ساختار را عوض می‌کند. در اینجا، مترجم تصمیم می‌گیرد یا مجبور می‌شود که با حفظ

معنای اولیه نوع و نقش دستوری کلمات را تغییر دهد. به عنوان مثال از اسم به جای فعل و یا از صفت به جای قید استفاده می‌کند. جابه‌جایی اختیاری زمانی رخ می‌دهد که مترجم امکان ترجمه لفظ به لفظ را دارد اما ترجیح می‌دهد ساختار آن را عوض کند. اما در جابه‌جایی اجباری مترجم به دلیل محدودیتهای زبان مقصد چاره‌ای جز تغییر ساختار دستوری کلمات ندارد (وینه و داربلنه، ۱۹۷۷: ۵۰).

« Les filles, quelle belle invention, pensais-je en la coiffant, quelle belle invention... »

« وقتی موهایش را شانه می‌زدم با خودم فکر می‌کردم،

دختر بچه‌ها چه آفریده‌های زیبایی هستند، چه زیباییند.»

در این مثال نیز مانند مثال قبل عبارت «en coiffant la quelle» نقش قید حالت را در جمله فرانسوی ایفا می‌کند، ولی در فارسی به شکل فعل ترجمه شده است و همین‌طور «belle invention» یک گروه اسمی است که در متن اصلی دو بار به یک صورت تکرار شده، اما در ترجمه فارسی آن از فعل استفاده شده است.

« Je les regardais de loin, assise sur les marches du perron. »

« من روی پله‌های درگاه نشسته بودم و آنها را از دور نگاه

می‌کردم.»

در قسمت دوم این مثال «les marches du perron assise sur» که قید است به صورت یک جمله مجزا آمده و فعل participe passé به صورت فعل ترجمه شده است.

« Je passais l'éponge autour de ses mains posées sur la table. »

« دستمال را روی میز می‌کشیدم دور و بر دست‌های او که

روی میز بود.»

در این جمله عبارت موصوفی «ses mains posées» به صورت یک جمله برگردانده شده است.

به نظر می‌رسد، هدف مترجم از به کار بستن شیوه جابه‌جایی یا ترانهش، استفاده از ساختارهای رایج‌تر در زبان مقصد و ارائه یک متن روان و قابل درک برای مخاطب بوده است، چرا که برخی ساختارهای دستوری که اتفاقاً در زبان فرانسه و به تبع آن در متن رمان مورد مطالعه پرکاربرد است، در زبان فارسی چندان مرسوم و جاافتاده نیست. بدیهی است این شیوه می‌بایست مطابق با استراتژی‌های نگارشی زبان مقصد و صرفاً زمانی که ترجمه تحت‌اللفظی کافی نیست مورد استفاده قرار

گیرد. تسلط جدی مترجم بر زبان مقصد و آشنایی عمیق او با عرف‌ها و هنجارهای گفتاری آن شرط لازم برای استفاده از این شیوه است.

تغییر بیان شیوه‌ای است که مترجم را وادار به ایجاد تغییر در زاویه دید پیام و نحوه بیان آن می‌کند. استفاده صحیح و بجا از این تکنیک نشان دهنده تبحر مترجم است. لازم به ذکر است که تغییر بیان الزاماً منجر به تغییر در کلمات یا نقش دستوری آنها در جمله نمی‌شود.

« Chez les Dippel, c'est *never explain, never complain*, tout de suite, c'est autre chose. C'est la classe. »

« برای دیپل‌ها، هرگز توضیح نده، هرگز شکایت نکن،

خیلی زود تمامش کن. با کلاس باش.»

در متن اصلی رمان که به زبان فرانسه نوشته شده دو جمله امری «*never explain, never complain*» به انگلیسی آمده و احتمالاً نویسنده از آوردن این جملات به زبانی متفاوت هدف خاصی را دنبال می‌کرده است، بنابراین بهتر بود در ترجمه فارسی نیز به همان صورت نوشته شود تا حالت یا موقعیت خاص مدنظر در ذهن مخاطب ترجمه کتاب نیز ایجاد شود. همچنین جمله خبری *C'est la classe* به معنی «این کار با کلاسی است» یا «این نشانه با کلاسی است» توسط مترجم به صورت امر برگردانده شده است. به نظر می‌رسد مترجم می‌خواسته است توالی عبارات امری حفظ شود و این قسمت را در توالی سه فعل پیشین قرار داده و با همان رویه ترجمه کرده است.

« — Je pourrais continuer comme ça longtemps. Tu vois, tu es injuste. »

« می‌بینی، می‌توانم تا قیامت برایت بگویم، می‌بینی که

بی‌انصافی.»

در جمله فرانسه «Je pourrais continuer comme ça longtemps» به معنی «این طوری می‌توانم مدت زیادی ادامه دهم» واژه قیامت وجود ندارد اما مترجم با اضافه کردن این واژه، روشی متفاوت را برای بیان مفهوم مد نظر برگزیده است. لادمیرال از این روش با عنوان «قضیه حق انتخاب مترجم» یاد می‌کند.

بر طبق این قضیه، لادمیرال حق انتخاب معادل کلمات را بر عهده مترجم می‌گذارد. در این صورت مترجم می‌تواند برای ارائه معادلی که با بافت متن مقصد همخوانی بیشتری داشته

باشد از متن مبدأ فاصله گرفته و دست به انتخاب بزند؛ این انتخاب متفاوت با دالّ ومدلول متن مبدأ است (مهدی پور، ۱۳۹۰: ۴۹).

I.

« Inutile de te dire qu'après ça, mes parents n'ont plus jamais regardé un seul défilé de leur vie. Les bals et les feux d'artifice aussi, pour eux, c'était terminé. »

« داستان‌های بعد از آن، گفتن ندارد. پدر و مادرم بعد از آن دیگر هیچ رژه‌ای را نگاه نکردند. همین‌طور هیچ آتش‌بازی مصنوعی و هیچ نمایشی را. زندگی برای آنها تمام شده بود. » در این مثال نیز تغییر کلی بیان جملات را مشاهده می‌کنیم و همچنین کلمات «داستان» و «زندگی» به متن مقصد اضافه شده‌اند. در واقع ترجمه دقیق متن از فرانسوی به فارسی این-گونه خواهد بود: «بیهوده (یا بی‌فایده) است که بگویم بعد از آن (یا بعد از آن اتفاق، بعد از آن ماجرا) پدر و مادرم تا آخر عمر دیگر هیچ رژه‌ای را تماشا نکردند. مراسم رقص و آتش‌بازی نیز برای آنها تمام شده بود.»

« Bien sûr, elle était libre de ne pas l'aimer, bien sûr, mais Paul était trop exalté, il ne pouvait rien faire sans bravoure, sans... sans brio. Quel gâchis... »

« البته او حق داشت، آزاد بود که هر که را می‌خواهد دوست داشته باشد، و نه پل را، اما پل سرشار از عشق و عاطفه بود، هیچ کاری بدون شور و حرارت برایش معنا نداشت... چه ملغمه-ای...»

جمله «elle était libre de ne pas l'aimer» به معنی «او آزاد بود که دوستش نداشته باشد» است، اما به نظر می‌رسد مترجم سعی در ابهام زدایی داشته و در همین راستا، مرجع ضمیر دوم یعنی «پل» را مشخص کرده است.

لازم به ذکر است، یکی از چالش‌های اساسی هر مترجمی که از زبان فرانسه به فارسی ترجمه می‌کند، ترجمه ضمایر است. البته این مشکل که گاه برای مترجم دشواری‌ای به بار می‌آورد، از آن دست مصائبی است که مبدأگرایان در مقابل آن می‌ایستند و هر نوع دست بردن، تغییر و افزودن را تحریف می‌شمارند. اما واقعیت این است که زبان فارسی برای ضمیر سوم شخص، جنسیتی قائل نیست، حال آنکه در زبان فرانسه

علاوه بر تفکیک جنسیتی ضمایر، با انبوه ضمایر دیگر نیز روبه‌رو هستیم (مهدی پور، ۱۳۹۰: ۴۹).

«Je répondais à peine, me défendais mollement, je te l'ai dit, j'avais déjà perdu Mathilde à ce moment-là...»

«من به زور جواب می‌دادم. رغبتی به دفاع کردن از خود نداشتم. به تو گفتم، در آن وقت یعنی پیش از آن شب کذایی ماتیلد را از دست داده بودم ...»

قید «Mollement» در این مثال به معنی «با نرمی و لطافت» است که مترجم این قید را به صورت عبارت قیدی «رغبتی به دفاع کردن از خود نداشتم» درآورده است، که البته چنین چیزی در ساختارهای دستوری زبان فارسی هنجار به حساب می‌آید. «پیش از آن شب کذایی» در جمله مبدأ وجود ندارد و مترجم به دلخواه خود اضافه کرده است.

با توجه به تعداد زیاد مثال‌هایی که در فرایند «تغییر بیان» مشاهده کردیم می‌توان نتیجه گرفت که مترجم سعی کرده با تغییر دادن معنای کلمات، جابه‌جایی و اطباب متنی روان و خوانا به مخاطب خود ارائه دهد که گاهی باعث شده متن ترجمه از مبدأ خود فاصله بگیرد.

هماندسازی یا اقتباس مقوله‌ای است که منجر به تولید موقعیتی جدید در زبان مقصد می‌شود. در واقع، گاهی موقعیتی که در تولید یک پیام استفاده شده در زبان مقصد وجود ندارد و باید این پیام با ایجاد موقعیت دیگری که به‌عنوان معادل در نظر گرفته می‌شود انتقال یابد (وینه و داربلنه، ۱۹۷۷: 53-52). همانندسازی معمولاً در برگردان اشعار یا کلیشه‌ها کاربرد دارد، و طی آن عناصر فرهنگی موجود در زبان مبدأ با ارجاعات دیگری در زبان مقصد که برای مخاطب ملموس باشند، جایگزین می‌شوند. در ادامه، نمونه‌هایی از کاربست این تکنیک را در ترجمه دارچینیان بررسی می‌کنیم:

«Il a échangé une femme cabossée et ennuyeuse contre une première main amusante. Sa vie est beaucoup plus drôle aujourd'hui, vous savez.»

«او زنی قراضه و دق آور را با یک دلبر ترگل و رگل عوض کرده. امروز زندگیش خیال‌انگیز است. می‌دانید.»

در این مثال، عبارت «une première main amusante» شاید به معنی «یک زن دست اول جذاب» به

ابتکار مترجم و با استفاده از شیوه همانندسازی به «دلبر ترگل و رگل» برگردانده شده است. در واقع، این ترکیب، که از اصطلاحات عامیانه زبان مقصد اقتباس شده، برای مخاطب فارسی زبان آشنا تر است.

«Les cris, les scènes, les mouvements d'humeur, c'est vulgaire, n'est-ce pas ? Oh oui, c'est vulgaire.»

«اختلاف‌ها، بگویم‌گوها، برآشفتن‌ها، مبتذل است، این طور نیست؟ آه. بله مبتذل است.»
در اینجا نیز اصطلاح بگویم‌گو بنا بر شیوه اقتباس، در ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است، و به خوبی توانسته مفهوم مد نظر نویسنده را به شیوه‌ای متفاوت برساند.

«Au début, elle avait fermé les yeux. Elle se doutait bien de quelque chose, mais elle me faisait confiance. Elle pensait que c'était un coup de tête, un coup de sang, l'envie de plaire encore. Quelque chose de rassurant pour ma virilité.»
«اوایل، به روی خودش نیاورده بود. شک کرده بود که چیزی سر جای خودش نیست، اما به من خیلی اعتماد داشت. فکر می‌کرد به سرم ضربه‌ای خورده، دوست دارم جلب توجه کنم تا از مردانگی خود مطمئن شوم.»
در این مثال، عبارت فرانسوی «elle avait fermé les yeux» به معنی «بستن چشم‌ها به روی چیزی، یا نادید گرفتن آنها» است که مترجم با همانندسازی عبارت «به روی خود نیاوردن» را جایگزین آن کرده است. همچنین در جمله بعد، نویسنده فقط میگوید «واضح و آشکارا به چیزی شک کرده بود»، اما مترجم در اقتباس توضیح کوتاهی را اضافه کرده که موجب می‌شود حق مطلب بهتر ادا شود.

معادل‌یابی: شیوه‌ای است که طبق تعریف وینه و داربلنه منجر به توصیف یک موقعیت مشابه با کلمات و عبارات متفاوت می‌شود. در واقع، در این شیوه، مترجم به جای اینکه یک جمله یا عبارت را، که معمولاً مربوط به یک اصطلاح یا ضرب‌المثل می‌شود، واژه به واژه ترجمه کند، به جستجوی اصطلاح معادل آن می‌پردازد، به نحوی که بتواند همان موقعیت موجود در زبان مبدأ را برای مخاطب زبان مقصد نیز ایجاد کند. وینه و داربلنه بر لزوم استفاده از این شیوه در مواقعی که ترجمه تحت‌اللفظی

یا گرت‌برداری کارساز نیست، تأکید دارند (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵:۳۸).

«J'attendais qu'Adrien aille mieux pour lui en parler parce que je voyais bien qu'il n'était pas dans son assiette ces derniers temps...»

«منتظر بودم آدرین حالش سرجا بیاید تا سر حرف را باز کنم چون می‌دانید این روزهای آخر عوض شده بود.»
در این قسمت، نویسنده اصطلاح فرانسوی «ne pas être dans son assiette» را به کار برده که به معنی «ملول بودن یا حال و هوای خوش همیشگی را نداشتن» است، مترجم عبارت ساده‌تر «عوض شدن» را برای برگردان آن انتخاب کرده است.

« Il écoutait les remarques acerbes de ses enfants sans jamais y répondre. « Vos critiques glissent sur moi comme sur les plumes d'un canard », concluait-il toujours en souriant et avant de prendre congé. »

کنایه‌های نیشدار آنها را می‌شنید و هرگز پاسخی نمی‌داد. همیشه لبخندزنان در آخر کار می‌گفت: «انتقادهایی که از من می‌کنید مثل این است که روی تکه یخی قلوه سنگ بگذارد، یخ آب می‌شود، قلوه سنگ سر می‌خورد.»

در این مثال جمله « Vos critiques glissent sur moi comme sur les plumes d'un canard » به معنی «انتقادهای شما تأثیری بر من ندارد.» است. برای ترجمه این اصطلاح، مترجم با آوردن معادل مناسب در موقعیت مشابه به زبان فارسی مفهوم جمله را منتقل کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

ترجمه مهارت و هنری ارزشمند است که انتقال داده‌ها و ایده‌ها را از زبانی به زبان دیگر ممکن می‌سازد و پلی میان فضاهای فرهنگی و تمدنی مختلف ایجاد می‌کند. مترجم به‌عنوان واسطه بین دو جهان زبانی در تلاش برای خلق ایده‌های جدید و بازسازی ایده‌های پیشین است، به‌نحوی که رضایت خوانندگان و مخاطبین خود را فراهم نماید. از دیرباز تا کنون، نظریات و انگاره‌های مختلف و متنوعی در باب ترجمه به‌طور کلی و ترجمه متون ادبی به‌طور خاص وجود داشته است. این نظریات عموماً بازتاب دهنده شیوه‌ها و تکنیک‌های مختلفی هستند که توسط مترجمین برای برگردان متون به کار رفته‌اند. برخی از این نظریات اهمیت بیشتری به متن و زبان مبدأ داده، و اصطلاحاً مبدأگرا هستند، و برخی دیگر توجه بیشتری به سمت

زبان و متن مقصد داشته و مقصدگرا هستند. وینه و داربلنه، با عنایت به این دو گرایش کلی، هفت شیوه را در دو دسته‌بندی کلی ترجمه مستقیم و ترجمه غیرمستقیم تعریف و ارائه نموده‌اند. در این مقاله گزیده‌هایی از ترجمه *رمان من او را دوست داشتم* را بر اساس این هفت روش فنی مورد تحلیل و بررسی قرار دادیم. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که الهام دارچینیان به‌عنوان مترجم این اثر داستانی از شش تکنیک از میان هفت مورد پیشنهادی در الگوی وینه و داربلنه استفاده کرده است. پرواضح است که هرچه میزان استفاده از یک شیوه بیشتر بوده، مثال‌های بیشتری برای آن ذکر گردیده است. دارچینیان بیشتر از چهار تکنیکی که در حیطه ترجمه غیرمستقیم قرار می‌گیرند استفاده کرده است، و کمتر به سه شیوه ترجمه مستقیم تمایل نشان داده است، حتی می‌توان گفت تکنیک گزیده‌برداری را اصلاً در ترجمه خود به کار نبسته است. از میان تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم نیز تغییر بیان بالاترین بسامد را در ترجمه دارچینیان داشته است. برخی از تغییراتی که طی فرآیند ترجمه ایجاد شده‌اند و در متن مقاله بدان اشاره شده است ناشی از تفاوت‌های فراوان صرفی و نحوی زبان‌های فارسی و فرانسه می‌باشد، اما بسیاری دیگر نیز صرفاً به سبک و سلیقه مترجم برمی‌گردند. در واقع، مترجم خود را محدود به ساختارهای زبان فرانسوی نکرده است، بلکه از آنها برای خلق اشکال مناسب در زبان فارسی الهام گرفته و بسیار ماهرانه متنی سلیس، روان و مطابق با استانداردهای اصولی دستور زبان فارسی ارائه داده است. هرچند دارچینیان سعی کرده تا حد ممکن اعتدال را در فرآیند واژه‌گزینی رعایت کند، به نظر می‌رسد برای ترجمه این رمان بیشتر از رویکرد ترجمه مقصدگرا پیروی کرده، به نحوی که گویی خواننده فارسی زبان در برابر یک رمان فارسی قرار گرفته است، چرا که در اکثر موارد واژگان و اصطلاحات برای فهم بهتر خواننده بومی‌سازی شده‌اند. شاید هدف مترجم از انتخاب این رویکرد برقراری ارتباط نزدیک‌تر میان خواننده و متن باشد، تا همان تأثیری در خواننده ترجمه ایجاد شود که در خواننده متن مبدأ به وجود آمده است. اما نباید فراموش کرد که ایجاد تغییر در ترجمه نباید تا جایی پیش برود که موجب تغییر در ساختار متن و سبک اصیل نویسنده آن شود. در اینجا با توجه به اینکه متن مورد بحث یک اثر داستانی است و اغلب خوانندگان با هدف لذت بردن و سرگرم شدن به سراغ رمان می‌روند، تغییراتی که موجب تسهیل فرآیند خوانش و خوشایندتر شدن آن می‌شوند قابل قبول و قابل توجیه به نظر

می‌رسند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد به کارگیری تکنیک‌های وینه و داربلنه در ترجمه متن مورد بحث، ارزش افزوده به حساب آمده و موجب آراستگی و یکپارچگی متن شده است.

منابع

حیدری، حمیدرضا (۱۳۹۸). *تغییر بیان و فاخر گویی در ترجمه از فارسی به عربی بر اساس نظریه وینه و داربلنه. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. ش ۲۰.*

رضاپور، روح‌الله، خموش، فاطمه (۱۳۹۹). *بررسی تحلیلی - آماری واژه‌های تخصصی مسافر فرانسه در فارسی. پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی. (۱۰) ۴، ۷۸۷-۷۷۶.*

ساسانی، فرناز، اینانلو، مه‌کامه (۱۴۰۱). *شگرد افعال گذشته در کدبرگردانی ترجمه رمان پرنندگان میروند در پرو میمیرند اثر رومن گاری. پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای (خارجی). ۱۲۱، ۹۴-۱۱۰.*

قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۹). *بررسی پیدایش رمان فارسی بر اساس نظریه وینی و داربلنه. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*

گاوالدا، آنا (۱۳۸۸). *من او را دوست داشتم. الهام دارچینیان: انتشارات قطره.*

لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). *درآمدی به روش و اصول ترجمه: تهران: نشر دانشگاهی.*

ماندی، جرمی (۱۳۸۳). *آشنایی با مطالعات ترجمه. حمید کاشانیان: چ ۱. تهران: رخ.*

مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۹۰). *ژان رنه لادمیرال، قضایایی برای رویارویی با مشکلات ترجمه. کتاب ماه ادبیات. ش ۵۱. ۴۸-۵۲.*

نیازی، شهریار و همکاران (۱۳۹۸). *واکاوی بخشی از ترجمه رمان الشحاذ بر اساس الگوی نظری وینی و داربلنه. زبان پژوهی. ش ۳۰.*

برمن، واله (۱۳۸۲). *بررسی نظریات معادل‌یابی در ترجمه. متن پژوهی ادبی. د ۷. ش ۱۸. ۷۳-۶۲.*

Berman, antoine. (1999). *La Traduction et la lettre ou l'Auberge du lointain : Paris, Seuil.*

Gavalda, Anna. (2002). *Je l'aimais : Paris : J'ai lu.*

Vinay, J.-P & Darbelnet, J. (1977). *Stylistique comparée du français et de l'anglais*: Paris : Didier.